



این تازه شروع کار است

۲۴



بیماری رونالدو

۲۴

ورزش



زمانی برای تصمیم

۲۵



رحمان را چشم نزنید

۲۶

دقیقه صفر

با من از حذف نگو

محمدنوری فر

بچه ها، می خواهند که در عصر جمعه در این نیم ستون همه امیدهای دنیا را به شما تزریق کنیم اما حوصله ای نیست. غمگینی بعدازظهرهای جمعه پیش از همیشه آزارمان می دهد. می گویند فردا (امروز) کارمان تمام است. این را صاحبان عقل می گویند. اینجا در تحریریه خبرهای بدی به گوش می رسد. می گویند شما دو دسته شده اید. دیشب یکی از نزدیکان کریمی می گفت که علی حال خوشی ندارد. نگران است. ناراحتی اش به خاطر چیزهایی است که دو، سه هفته قبل در یک مصاحبه تلویزیونی گفته بود. هاشمیان و کیا هم پشت سر او نق می زنند. چه کنیم که شما ۳ نفر نامهربانی ها را برای ۲۴ ساعت فراموش کنید؟ حوصله خواندن قصه های حماسی دارید؟ می خواهید از حماسه های هزارها سال تمدن ایران برایتان چیزی بگوییم؟ نه، در فردیش هافن کسی نیست که این تاریخ را جوری شما تعریف کند که به وجد بیاید. کاش حبیب الله بلور زنده بود تا در گوشی برای چند نفر از شما شاهنامه می خواند. نه، این هم رویایی بیش نیست. بچه ها، یکی دو شب پیش یکی از این تلویزیون های لن آنجلسی که با سیاست کاری ندارد با دوربین رفته بود سراغ ایرانیانی که از همه جای دنیا به نورنبرگ رفته بودند تا پیروزی شما را جشن بگیرند. تصاویر تکان دهنده بود. ما که فقط اشک ها را پنهان کردیم. بچه ها، کاش آدم خوش سلیقه ای در اردوی شما پیدا شود تا امروز چند ساعت قبل از بازی این تصاویر را برای شما به نمایش بگذارد. در لحظه نمایش همه چیز باید صامت باشد. نیازی به صدا نیست. دیدن اشک های در غربت بغض مردترین شماها و سنگدل ترین شماها را می ترکاند. به برانکو بگویید از صدای گریه ها نترسد. ایوانکوویچ دیروز می گفت: «به همراه بازیکنانم تا به حال چهار مرتبه فیلم بازی با مکزیک را تماشا کردیم». «سوالی داریم. در آن جمع کسی به فکرش رسید در دقیقه ۸۰ دکمه استپ را فشار دهد. همان صحنه ای که یک ایرانی کلاهش را پایین کشیده بود تا بیش از آن حسرت نخورد و طفلک معصومش هم پرچم ایران را به روی خود کشیده و خوابیده بود! کدام باعاطفه ای در هیئت شما با تماشای این صحنه احساس درد کرد؟! بچه ها، به احترام آن اشک های در غریب، امشب شادی را بی رحمانه به ایرانیان هدیه بدهید. ما امیدوار نیستیم. به شکست با اختلاف ۴ گل فکر می کنیم. همه می گویند ۹۹ درصد بازنده اید. برای یک درصدی ها بازی کنید. همه پیروزی های تاریخ مملکت شما همین گونه بوده است. بچه ها، دیگر چه بگوییم!! اگر همه این حرف ها برای شما تکراری است، به احترام دهاهای مادران تان پرتشور باشید. به احترام عشق های تان...

تماشاچی دسته جمعی برای ایران با شکر یک هزارگفتاور



بخورد. یحیی که به اندازه سن اش تکل های مفید خواهد زد و باید تا دمیدن آخرین سوت، شانه اش را به شانه سابروسا بساید که لحظه رهایی او، وهله خردکننده فروپاشی دروازه خودی است.

امروز مسئولیت حسین کعبی زدودن غبار خاطرات تلخ است. طول زمین در منطقه راست باید بزرگراه اختصاصی بزرگمرد کوچک باشد. همان طور که آن طرف زمین هم محمد نصرتی هیچ ترددی از حفره چپ را برای پرتغالی ها جایز نخواهد دانست.

ابتدای بازی امروز، رخصت طلبی آندرانیک و نکونام برای غول کشی میانه میدانم آرزوست. آندرانیک با پاهایی که به پتک می ماند، دایره وسط را کارزار از پا افتادن فیگو خواهد کرد و دکو نیز دکوری که به مسلخ مطبوعات چاپ لیسبون فرستاده خواهد شد.

کیا که پارسال بهترین بازگشت سال شناخته شد، می تواند یک تنه تیم را به جام برگرداند. او تصورات اشتباه توماس دال را اصلاح کرد و امشب هم می تواند بخشی از تفکرات اشتباه برانکو در باره موجودیت فوتبال ایرانی را هم بزاید.

علی کریمی مثل همیشه مختصری مصدوم است. می گویند اگر دایی در ترکیب نباشد کریمی بهترین بازی عمرش را انجام خواهد داد. اما بودن یا نبودن یک همبازی، توجهی نیست که ملت در قبال بازی ضعیف ستاره اش بپذیرد.

سرنیزه تیم ملی هم وحید است. هلیکوپتری که هنگام فرود آمدن فقط کمی خونسردی از او می خواهیم. امشب چه شبی است اگر برانکو یک بار هم که شده از موضع تفهیم مبانی فوتبال به مردم ایران کوتاه بیاید. همین امشب، همین امشب فقط هم بغض ایران باشد. به او که هیچ شکستی را گردن نگرفته، جواز مصادره پیروزی امشب را می دهیم.

با ما از سوابق فوتبال پرافتخار پرتغال حرف نزنید. ما نمی خواهیم امشب از جام جهانی خداحافظی کنیم.

برگشتنش را نبسته باشد. کلینژمن هم که انگار اولین گل ملی اش را زده، مثل رشید یکینی نیجریایی پرید توی دروازه ایران و امواج منفی را به توری انداخت که مسئولیتش با احمدرضا عابدزاده بود. هرگز هیچ مهاجمی جرات این کار را نداشت و احمدرضا هم فقط حرمت اسم گلزن را نگه داشت و نخواست جذابیت لوح تقدیر به خاطر همدردی با زلزله زدگان رودبار که در معارفه به کلینژمن داده بود را لوٹ کند.

اما از بازی با آنگولا اگر امروز ببازیم هیچ خاطره ای برای آینده در اذهان بی حوصله مان به جا نخواهد ماند.

عبارت «بازی تشریفاتی» که مترصد الصاق به پشانی

نقشه

همین چند ساعت را فقط طاقت بیاورند و نگویند که شکست احتمالی ایران پایان فوتبال و پایان جهان نیست. شکست برزیل در ماراکانا مقابل اروگوئه ای ها هم پایان فوتبال نبود. اصلاً آغاز درخشانی بود برای پنج بار فتح جام در دهه های بعدی. اما تمام فتوحات در تاریخ فوتبال جهان هم فاجعه ۱۹۵۰ را برای برزیلی ها کلاسیک نمی کند.

بازی سوم است، حالمان را به هم می زند. امروز دروازه بان جسوری می خواهیم که ژل زنده بیاید زمین، مثل «میشل پرودم» هم اگر عکس دسته جمعی از خانواده اش را توی دروازه نگذاشت، خیال تنهایی را روی خط دروازه از سرش دور کند. باور کند که او ستونی است تکیه داده به اراده پیروزی نزد ده ها میلیون ایرانی که همراه با سنگریان رشیدشان سرسختانه مقاومت می کنند. از بیزین میرزاپور، رودباریان یا طالب لو یک شجاع دل می خواهیم که ۹۰ دقیقه هیچ کوبشی را بهانه ای برای گشودن در نپندارد.

می خواهیم ۹۰ دقیقه دیگر حظ ببریم از رحمان این نگین دفاع که نمی گذارد چشم اسفندیار تیم ملی زخم

ما مستحق این زجر کشنده نیستیم، تیمی که شیاطین می خواستند به جام راهش ندهند با دست های خودش در روز دوم با جام وداع می گوید. شکنجه ای که در جام های ۷۸ و ۹۸ هم نشدیم و امید صعود تا روز آخر سرمایه تیم های غیرحرفه ای مان بود. همین امروز و امشب را کسی شعار ندهد. حکمای سخن پرداز، همین چند ساعت را فقط طاقت بیاورند و نگویند که شکست احتمالی ایران پایان فوتبال و پایان جهان نیست. شکست برزیل در ماراکانا مقابل اروگوئه ای ها هم پایان فوتبال نبود. اصلاً آغاز درخشانی بود برای پنج بار فتح جام در دهه های بعدی. اما تمام فتوحات در تاریخ فوتبال جهان هم فاجعه ۱۹۵۰ را برای برزیلی ها کلاسیک نمی کند.

در جام جهانی همیشه بار کج فوتبال مان را لگ لنگان هم شده به روز سوم رسانده ایم. حساسیت بازی پرو که خط پهن و اریب تیره ای، پیراهن های سفیدشان را هاشور زده بود، ثمره از خودگذشتگی بچه ها در بازی قبلی بود. ما بودیم که روز تلخ بازی با پرو، توانایی های ولاسکوئز و تنوفیلو کوبیلاس را به دنیا قبولاندم و پرویی هایی که با اتومبیل های شخصی به آرژانتین آمده بودند را تا صبح با تشویق های خود بیدار نگه داشتیم. اما مختصری هم امید داشتیم که اگر سه گل به پرو بزینم در پایگانی جام جهانی، جفت فوتبال کره شمالی می شویم که در ۱۹۶۶ زاده شد و همان سال هم مرد. آن امید روز پرو، پیامد کتک خور خوب بچه ها در ظهر داغی بود که اسکانلند را با حربه شرقی غیرت که در رگ ایرانی ها اگر متبلور شود جهان را یارای مقابله نیست، مسخ کردیم. با آلمان در ۹۸ هم باز بارقه امید از دل بازی قبلی شکفته بود. مدت ها بعد بود که فهمیدیم نوآموز حتی برای رزرو هتل در صورت بقای ایران در جدول بازی ها اقدام نکرده و قبل از ورود به زمین مون پلیه برای مصاف با آلمان، هیچ بازیکنی نبود که چمدان

ایران خودرو

جشنواره تابستانی فروش محصولات ایران خودرو

کم مصرف ترین خودرو دو دیفرانسیل ۴ در ایران

دارای مدرن ترین تجهیزات ایمنی و رفاهی

ایمنی و آرامش در چشم اندازی از شکوه

۲۵ درصد قدرت موتور بالاتر و مصرف سوخت پایین تر

فضایی آرام، سفری ایمن

طراحی ایرانی، عرصه جهانی

پیش فروش ویژه محصولات جدید به همراه فروش کلیه محصولات با وام بدون بهره

پژو ۲۰۶ اس دی ۷۲

سمند LX سال ۸۵

پژو آردی جدید

گرند ویتارا

سمند سریر

برای کسب اطلاعات بیشتر به نمایندگی های مجاز ایران خودرو در سراسر کشور مراجعه نمایید.